



دانشگاه فردوسی مشهد

عنوان

رساله دوره دکتری

علوم تربیتی (فلسفه تعلیم و تربیت)

مقایسه آرای امام محمد غزالی و سورن کرگور در باب رابطه عقل و دین و دلالت‌های آن در تربیت دینی

استاد راهنما

دکتر طاهره جاویدی کلانه جعفر آبادی

استادان مشاور

دکتر جهانگیر مسعودی

دکتر بختیار شعبانی ورکی

علی خالق خواه

۱۳۹۱



Ferdowsi university of Mashhad

Faculty of Education & psychology

**A comparison of Al-Ghazaali and
Kierkegaard about relationship between
reason and religion and its implications
on religious education**

Supervisor

Dr. Tahereh Javidi Kalateh Jafarabadi

Advisors

Dr. Bakhtiar Shabani Varaki

Dr. Jahangir Masoodi

Ali Khaleghkhah

1391

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چکیده:

پژوهش حاضر به مقایسه دیدگاه‌های غزالی و کرکگور درباره رابطه عقل و دین و اشارات آن در تربیت‌دینی پرداخته است. در این باره بر اساس پیشینه نظری موضوع، ابتدا نظریه‌های راجع به رابطه عقل و دین و تربیت‌دینی مورد بحث قرار گرفته است.

سپس دیدگاه‌های کرکگور و غزالی در خصوص رابطه این دو و تربیت‌دینی متناسب با آن به تفصیل مورد بحث قرار گرفت. از دیدگاه کرکگور نظر به قالب فکری وی مولفه هستی‌مندی (شناخت، آزادی، فردیت و احساس دلشوره) و ایمان و رابطه آن با عقل (انفیسیت، شورمندی، جهش، برهانهای کرکگور بر ضد استدلال آفاقی و مراحل حیات) مورد توجه قرار گرفت. از دیدگاه غزالی نیز با توجه به قالب‌های فکری او اشعریت، مخالفت با فلسفه، تصوف، ایمان و عقل مورد بحث قرار گرفت.

مبتنی بر مبانی پیش گفته به مفهوم تربیت‌دینی از منظر کرکگور و غزالی پرداخته شده و اهداف، اصول و روش‌هایی که با این مفهوم تناسب دارند، بیان گردیده است. از دیدگاه کرکگور برای تربیت‌دینی دو مرحله استخراج گردید. از آنجایی که فرد برای رسیدن به مرحله حیات دینی باید ویژگی‌هایی داشته باشد، در مرحله اول ابتدا ویژگی‌هایی که باید کسب شود (آزاد بودن، شناخت خود و فردیت داشتن)، مورد نظر قرار گرفت. و در مرحله دوم انفیسیت، شورمندی و جهش مورد توجه قرار گرفت. از دیدگاه غزالی نیز نظر به تقسیم او از انسانها، تربیت‌دینی نیز بهای سه گروه مختلف ارائه شد. اولین گروه، عوام هستند که برای این گروه عادت و عمل محوری و برای گروه خواص اهل برهان، خردورزی و در نهایت برای خواص اهل تصوف، تقدم الهام بر تعلیم، التزام و ارتباط شریعت با طریقت، توأم نمودن تفکر با تطهیر قلب مورد توجه قرار گرفت. در ادامه به روشهای مورد نظر برای رسیدن به مولفه‌های فوق مورد بررسی قرار گرفت.

در پایان به مقایسه نظرات این دو اندیشمند در دو بعد میزان استفاده از عقل در جهت توجیه باورهای دینی و میزان توجه به ایمان از دیدگاه کرکگور و غزالی پرداخته شد و نقدهایی که بر این نظرات مطرح شده ذکر گردید. نتیجه‌نهایی اینکه ایمان‌گرایی را می‌توان با توجه به نظرات این دو اندیشمند در تربیت‌دینی مورد توجه جدی قرار داد، اگر چه در این راه می‌توان از عقل نیز به عنوان مقدمه‌ای در جهت رسیدن به حیات دینی بهره برد.

کلمات کلیدی:

عقل، دین، تربیت‌دینی، ایمان‌گرایی، کرکگور، غزالی.

Abstract

This study concentrates on comparing of Ghazaali and Kierkegaard views on the relationship between reason and faith, and references in religious education. Based on theoretical background, the first is discussed theories about the relationship between reason, religion, and religious education.

Then Kierkegaard and Ghazaali's view on the relationship between these two and religious education accordingly has been discussed in detail. From Kierkegaard's components are thought to perspective and its relationship to faith and reason were considered. On the other hand, Ghazaali's view with regard to his intellectual framework Ashaere, opposition to philosophy, mysticism, faith and reason has been discussed. Based on the foregoing principles to the concept of religious education from the perspective of Kierkegaard and Ghazaali and objectives, principles and methods that are appropriate to the context, have been described. Kierkegaard vision for religious education was obtained in two steps. Since the individual to reach the stage of religious life must have features. First, you will learn about features that were weeping and secondly spirit, enthusiastic, and leap of faith were considered. Ghazaali also seem to share his view of humanity, religious education was given to three different groups. The first group is lower for the group oriented work habits and a group from the properties of the argument, and finally the properties of Sufi wisdom, inspires priority on education, engagement and Tarighat with the Shariat principle, combined with the idea of cleansing the heart of the way. The methods used to achieve the above components to study.

At the end, the scientists compared comments were discussed in aspects of the use of reason in religion to justify the amount of attention and mentioned some critics for the tow views. The end result of the integration of faith can be given to the views of these two thinkers in religious education will be seriously considered, although this can be the reason for the introduction in order to achieve religious life.

Keywords: Reason, religion, religious education, faith, Kierkegaard, Ghazaali

تقدیر و تشکر

حمد و سپاسی بی نهایت، خداوند عالم را سزاست که وجود انسان را به زیور علم بیاراست و با اهداء آیه شریفه:

یوتی الحکمة من یشاء و من یوت الحکمة فقد اوتی خیراً کثیراً و ما یدکر الا اولوالالباب (بقره، ۲۶۹)، نعمتش را به اهل علم ارزانی داشت و شکر این نعمت عظیم را نشانه عبادت و بندگی و خیر دنیا و آخرت قرار داد.

بر اساس حدیث قدسی: من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق و بر حسب وظیفه ای که بر خود لازم می دانم:

از عنایات اساتید گرانقدر دکتر طاهره جاویدی کلاته جعفرآبادی استاد راهنما، دکتر بختیار شعبانی ورکی و دکتر جهانگیر مسعودی اساتید مشاور این رساله تشکر و قدردانی نمائیم.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول : مقدمه
۱۲	۱-۱- بیان مسأله:
۱۶	۲-۱- هدف‌های تحقیق:
۱۶	۳-۱- سوالات تحقیق:
۱۷	۴-۱- روش تحقیق:
۱۸	۵-۱- تعاریف مفاهیم:
	فصل دوم : دیدگاه‌های مختلف در مورد رابطه عقل و دین و تربیت دینی
۲۴	۱-۲- عقل و دین
۲۷	۲-۲- عقل و دین و رویکردهای متفاوت
۲۷	۱-۲-۲- قرینه‌گرایی (عقل‌گرایی حداکثری):
۳۰	۲-۲-۲- رویکرد مصلحت‌اندیشانه یا احتیاط‌آمیز و پراگماتیستی:
۳۰	۱-۲-۲-۲- تفسیر احتیاطی از باور دینی:
۳۲	۲-۲-۲- نظریه ویلیام جیمز:
۳۵	۳-۲-۲- طرفداران عقلانیت انتقادی:
۳۷	۴-۲-۲- طرفداران تجربه دینی:
۳۹	۵-۲-۲- معرفت‌شناسی اصلاح شده:
۴۱	۶-۲-۲- ایمان‌گرایی:
۴۷	۳-۲- تربیت دینی:
۴۸	۴-۲- رویکردهای تربیت دینی:
۴۸	۱-۴-۲- رویکرد عقلانی:
۴۹	۲-۴-۲- رویکرد عادت و تلقین در تربیت دینی:
۵۱	۳-۴-۲- رویکرد تجربه دینی، عرفانی و شهودی به تربیت دینی:
۵۳	جمع‌بندی
۵۵	۵-۲- پیشینه پژوهش:
۶۳	جمع‌بندی

فصل سوم: _غزالی عقل و دین و تربیت دینی

- ۶۷ ۱-۴-زندگی نامه:
- ۷۰ ۲-۴-عصر غزالی:
- ۹۲ ۸-۴-ایمان از دیدگاه غزالی:
- ۹۴ ۹-۴-تفاوت مخاطب و ایمان:
- ۱۰۰ ۱۰-۴-غزالی و تربیت دینی:
- ۱۰۱ ۱-۱۰-۴-توجه به تفاوت های فردی:
- ۱۰۲ ۲-۱۰-۴-تربیت دینی عوام:

فصل چهارم: _کرکگور و عقلانیت باور دینی و اشارات آن در تربیت دینی

- ۱۲۸ ۱-۳-زندگی نامه:
- ۱۳۳ ۲-۳-مبانی فکری کرکگور:
- ۱۳۴ ۱-۲-۳-هستی مندی از دیدگاه کرکگور:
- ۱۳۷ ۱-۱-۲-۳-شناخت:
- ۱۳۸ ۲-۱-۲-۳-آزادی:
- ۱۳۹ ۳-۱-۲-۳-فردیت:
- ۱۴۰ ۴-۱-۲-۳-احساس دلشوره:
- ۱۴۱ ۵-۱-۲-۳-انتخاب:
- ۱۴۲ ۲-۲-۳-ایمان و رابطه آن با عقل از دیدگاه کرکگور:
- ۱۴۹ ۱-۲-۲-۳-ایمان و انفسیت:
- ۱۵۴۰ ۲-۲-۲-۳-ایمان و شور مندی:
- ۱۵۲ ۳-۲-۲-۳-ایمان و جهش:
- ۱۵۲ ۴-۲-۲-۳-مراحل هستی:
- ۱۵۷ ۳-۳-کرکگور و تربیت دینی:
- ۱۵۹ ۱-۳-۳-مرحله آمادگی برای وارد شدن به ساحت دین یا تربیت عمومی:
- ۱۵۹ ۱-۱-۳-۳-هدف: رسیدن به هستی مندی:
- ۱۶۱ ۱-۱-۱-۳-۳-اصل آزادی و مسئولیت پذیری:
- ۱۶۳ ۱-۱-۱-۳-۳-روش انتخاب - بازخواست:
- ۱۶۴ ۲-۱-۱-۳-۳-اصل شناخت خود:

- ۱۶۶ ۱-۲-۱-۱-۳-۳-۳: روش گفت و گو و بحث و تبادل نظر:
- ۱۶۷ ۳-۱-۱-۳-۳-۳: اصل فردیت:
- ۱۶۸ ۱-۳-۱-۱-۳-۳-۳: روش توجه به بی همتا بودن انسان:
- ۱۷۰ ۲-۳-۱-۱-۳-۳-۳: روش مبتنی بر مناسبات درست انسانی:
- ۱۷۱ ۲-۳-۳-۲: مرحله دوم: بعد از ورود به ساحت دین (تربیت دینی):
- ۱۷۱ ۱-۲-۳-۳-۱: هدف: رشد معنویت:
- ۱۷۳ ۱-۱-۲-۳-۳-۱: اصل انفسیت:
- ۱۷۴ ۱-۱-۱-۲-۳-۳-۱: روش تأمل درونی:
- ۱۷۵ ۲-۱-۱-۲-۳-۳-۲: روش توجیه باورها از طریق تجربه دینی:
- ۱۷۶ ۲-۱-۲-۳-۳-۲: اصل شورمندی:
- ۱۷۹ ۱-۲-۱-۲-۳-۳-۱: روش انتخاب متعهدانه:
- ۱۸۰ ۲-۲-۱-۲-۳-۳-۲: روش قرار دادن متعلم در شرایط مرزی:
- ۱۸۱ ۳-۲-۱-۲-۳-۳-۳: روش تحریک عواطف و اشتیاق:
- ۱۸۳ ۳-۱-۲-۳-۳-۳: اصل جهش:
- ۱۸۵ ۱-۳-۱-۲-۳-۳-۱: روش توجه دادن متعلم به تجربیات تناقض نما یا خلاء معرفتی:
- ۱۸۵ جمع بندی:

فصل پنجم: مقایسه دو دیدگاه غزالی و کرکگور

- ۱۹۱ ۱-۵: نقش عقل در توجیه باورهای دینی و تربیت دینی از دیدگاه کرکگور و غزالی:
- ۱۹۱ ۱-۱-۵: شباهت‌ها:
- ۱۹۳ ۲-۱-۵: تفاوتها
- ۱۹۹ ۲-۵: نقش ایمان در توجیه باورهای دینی و تربیت دینی از دیدگاه کرکگور و غزالی:
- ۱۹۹ ۱-۲-۵: شباهت‌ها:
- ۲۰۱ ۲-۲-۵: تفاوتها
- ۲۰۷ جمع بندی:

فصل ششم: چرخشی به سمت ایمان‌گرایی معتدل در تربیت دینی

- ۲۱۲ ۱-۶: بحث و نتیجه گیری:
- ۲۲۷ ۲-۶: پیشنهادهای رساله:
- ۲۲۷ ۱-۲-۶: پیشنهادهای دیدگاه کرکگور:

- ۲۲۹: ۱-۲-۶ پیشنهادهایی دیدگاه غزالی:
- ۲۳۰: ۳-۲-۶ پیشنهادها برای تحقیقات بعدی:
- ۲۳۱: منابع:

فصل اول : مقدمه

۱-۱- بیان مسأله

یکی از دغدغه‌های اصلی در حوزه تعلیم و تربیت وجود یک برنامه مشخص و نظام مند برای تربیت می‌باشد. مریان تربیتی عمده‌ترین سهم را در تربیت به الگوهای پذیرفته شده از سوی متخصصان تربیتی می‌دهند. الگوهای فکری که موثر در جهت گیری‌های تربیتی هستند، می‌توانند متأثر از منابع گوناگونی چون دین، فلسفه، علم و ... باشند.

در الگوهای تربیتی مختلف دستیابی به اهداف و آرمانهای تربیتی از دل نگرانی‌های اصلی است. "در نظام‌های تربیتی که مبتنی بر تربیت دینی است و دین از اهمیت خاصی برخوردار است، شناسایی راههای انتقال دین، ترویج، تبلیغ و تربیت دینی از ضروریات است" (سجادی، ۱۳۸۴: ۲۷). برای شناخت راه‌های انتقال دین باید دید، اندیشمندان دینی چه روش‌هایی دارند. آنها درباره روش شناخت دین و بهره‌برداری از متون دینی، دیدگاه‌های متفاوتی دارند. برخی روش عرفانی (با تکیه بر تزکیه نفس و دستیابی به کشف و شهود) را تنها راه شناخت دین می‌دانند، گروهی نیز بر تعبد و تسلیم معرفتی نسبت به متون دینی اصرار ورزیده‌اند (که آنان ایمان‌گرایان نامیده می‌شوند). و گروهی نیز طریق عقلی را که مبتنی بر استدلال و برهان است، را راه دستیابی به معارف دینی می‌دانند (فیلسوفان). به تبع روش‌های مختلف در شناخت دین، در تربیت دینی نیز رویکردهای مختلفی وجود دارد، رویکردهایی که از مبانی فکری مختلف نشأت گرفته است. این رویکردها با توجه به روش‌های مختلف فوق‌الذکر تبیین می‌شوند.

با وجود این: "اندیشه‌وران و متفکران بزرگ جهان هنوز درباره نحوه آموزش دین و مطالب دینی

اتفاق نظر چندانی ندارند" (شعبانی‌ورکی، ۱۳۷۷: ۲۴۶).

برخی بر این باور هستند که تربیت دینی باید بر اساس مبانی عقلی بنا یابد و تعدادی نیز بر این باور هستند که باید بر مبنای عادت و تقلید باشد و در نهایت تعدادی دیگر بر شهود و الهام در این نوع تربیت تاکید می‌کنند.

رویکردهای مختلف، مبانی فلسفی مختلفی دارند. "پیش فرض‌های نزدیک ردپای خود را در

اجزای مختلف نظریه‌ای که در آن بکار می‌روند، آشکار می‌سازند" (باقری، ۱۳۸۰: ۲۳).

در تربیت‌دینی نیز از پیش‌فرض‌های مختلفی بهره برده می‌شود. هر کدام از رویکردهایی تربیت‌دینی که در فوق بدان‌ها اشاره شد از رابطه عقل و دین تأثیر می‌پذیرند. رویکرد مریبان به عقل و دین و نحوه ارتباط آنها با یکدیگر، در نحوه تربیت‌دینی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. بنابراین در تربیت‌دینی قبل از همه چیز، باید مبانی فکری مربوط به رابطه عقل و دین مورد توجه و انتخاب قرار گیرد. اگر اثبات عقلانی دین مد نظر باشد باید تربیت‌دینی براساس عقل بنا شود. ولی اگر تربیت‌دینی بخواهد بنا را بر ایمان بنهد باید خود باور، و یا ایمان مدنظر باشد. هر کدام از انواع رابطه‌ها مدنظر قرار گیرد می‌تواند تربیت‌دینی را به صورت کاملاً متمایزی درآورد.

از طرفی در حوزه عقل و دین نیز فیلسوفان دین معمولاً در یک پیوستار بین دو حد عقل محوری^۱ و ایمان محوری^۲ طبقه‌بندی می‌شوند. اندیشمندان دینی به تبع رویکرد فلسفی، باورها را نیز توسط رویکرد مورد نظر خود توجیه می‌کنند. اما به نظر می‌رسد که در گروه عقل محوری صدق یا اثبات باورهای دینی و در گروه ایمان محوری توجیه باورهای دینی همواره با مشکلاتی روبرو بوده است. چرا که نمی‌توان همه باورهای انسانی را با یک رویکرد تبیین نمود. همه باورهای انسانی در یک سطح قرار نمی‌گیرند و بعضی از آنها خارج از حوزه عقل و یا در مقابل آن قرار می‌گیرند. این نوع تضادها ریشه در مبانی فکری آنها دارد.

"بر اساس پیش فرض‌های فلسفی که عقل و دین بر آنها مبتنی هستند تعارض‌هایی بین آنها وجود دارد. این تعارض‌ها اگر چه در باور و یا مفاهیم نیست ولی بین مقوله‌هایی است که آنها به آن متعهد هستند. اگر این تعارض نادیده انگاشته شود تعیین هویت آنها مشکل خواهد بود" (هالتزمن^۳، ۲۰۰۳: ۷۸).

¹. reason-centered approach

². faith-centered approach

³. Holtezman

به جز بحث تعارض یا عدم تعارض عقل و دین، مبحث مهم دیگری با عنوان "امکان یا ضرورت اثبات‌پذیری باورهای دینی با عقل" همواره مورد توجه فیلسوفان دین بوده است" (آموبایت^۱، ۲۰۰۹).

به صورت کلی نسبت باورهای دینی با عقل را می‌توان به سه صورت به تصویر کشید:

الف- باور عقل‌پذیر^۲ که با عقل اثبات قطعی می‌شوند.

ب- باور عقل‌ستیز^۳ که با عقل قطعی نفی قطعی می‌شوند.

ج- باورهای عقل‌گریز^۴ که با عقل قطعی نه می‌توان آنها را اثبات و نه می‌توان نفی کرد.

با توجه به طبقه‌بندی فوق می‌توان گفت که همه باورها را نمی‌توان از طریق عقل بشری به اثبات

رساند. این در حالی است که در موارد زیادی انسان، به تبع رویکرد روانشناختی، سعی دارد تمام باورها را

بر اساس عقل و عقلانیت بنا نهد و سعی در توجیه باورهای خود از طریق رویکرد عقل‌محورانه می‌کند.

از این روی، مشاهده می‌شود که باور عقل‌پذیر به عنوان رویکرد غالب در تربیت دینی در نظر و عمل

مربیان سایه افکنده است. برای نمونه مقالات مختلفی که در ایران در این حیطه نگاشته شده است، اکثراً

بر عقلانیت تأکید داشته‌اند. مقالهٔ بختیار شعبانی ورکی (۱۳۷۷) با عنوان «فراتحلیلی بر نظریه های

تربیت‌دینی» مقالهٔ سید مهدی سجادی (۱۳۸۴) با عنوان «تبیین و ارزیابی رویکرد عقلانی بر تربیت دینی

(قابلیت‌ها و کاستی‌ها)» مقالهٔ محبوب‌جمشیدی کوهساری (۱۳۸۸) با عنوان «تأکید بر تربیت عقلانی؛

گامی اساسی در تربیت‌دینی» و کتاب‌های مختلفی که در این حیطه نگاشته شده است از جمله کتاب

«تعلیم و تربیت اسلامی» علی شریعتمداری (۱۳۷۹)، کتاب «آیین خردپروری، پژوهشی در نظام تربیت

عقلانی» سعید بهشتی (۱۳۸۰) همه بر عقل، در تربیت‌دینی تأکید داشته‌اند. ولی باید اذعان داشت که

تعدادی از باورها خارج از حیطه عقل و عقلانیت قرار می‌گیرند. بنابراین در این رساله اولاً؛ چنین

استدلال می‌شود که رویکرد ایمان‌محوری بعنوان رویکرد مکمل می‌تواند نواقص رویکرد عقل‌محوری در

تربیت‌دینی را رفع نماید. ثانیاً؛ محقق به خاطر گسترش دیدگاه ایمان‌گرایی در دنیای جدید (برای نمونه

1. Amobite

2. rational

3. anti rational

4. irrational

رویکرد پراگماتیستی جیمز^۱، رویکرد مصلحت‌اندیشانه یا احتیاط‌آمیز^۲ پاسگال^۳، رویکرد ایمان‌گرایانه اعتدالی ویتگنشتاین^۴، رویکرد معرفت‌شناسی اصلاح‌شده^۵ پلانتینگا^۶ و ... این دیدگاه را مدنظر قرار داده است.

دیدگاه‌های مختلفی در ایمان‌گرایی^۷ وجود دارد که چه بسا با همدیگر در تعارض و یا دارای تفاوت‌های بسیاری با هم هستند. در این رساله محقق همه آنها را مدنظر ندارد؛ بلکه درصدد شناسایی نظام تربیت‌دینی بر اساس دیدگاه ایمان‌گرایی مدنظر کرکگور^۸ و غزالی^۹ است. انتخاب کرکگور و غزالی از این رو صورت گرفته که این دو از مهم‌ترین و موثرترین ایمان‌گرایان در دنیای غرب (مسیحیت) و شرق (اسلام) محسوب می‌شوند.

آنچه دغدغه فکری کرکگور بوده، چگونگی زندگی است که انسان‌ها می‌توانند از آن برخوردار شوند و خصوصاً بیان نگرش ویژه کرکگور به زندگی مؤمنانه است. مسأله عقلانیت گزاره‌های دینی برای کرکگور مهم‌ترین دغدغه بوده است. از این رو، در آثار او بخش درخور توجهی به طور مستقیم بدین مسأله تعلق گرفته است. او بر این عقیده است که انسان امروز به دو علت از ایمان‌گریزان شده است. یکی، یقین عینی^۹ که نتیجه دوران روشنگری و باور مطلق به نیروی عقل و عقلانیت و دیگری، نبود تجربه‌های عمیق دینی است.

کرکگور همه تلاش خود را بر این نکته می‌گذارد که عقل نمی‌تواند در ساحت ایمان وارد شود. او بر خلاف جریان فکری دوران خویش، نشان داد که ایمان دینی، امری نامعقول است. او حتی تلاش پیشینیان را در جهت اثبات عقلانی باورهای دینی به تنهایی بی‌فایده و حتی مضر به حال دین داری می‌دانست.

1. James

2. rudential Accounts of Religious belief

3. Pascal

4. Wittgenstein

5. reformed epistemology

6. Plantinga

7. fideism

8. Kierkegaard

9. objective

وی سعی داشت تا باور دینی را با تجربه های دینی و شورمندی خاص دینداران به اثبات برساند (اکبری، ۱۳۸۴).

غزالی نیز با توجه به دیدگاه اشعری و صوفی گرایانه خویش دیدگاه خاصی در مورد باور دینی ارائه می دهد. از این دیدگاه، می توان شیوه های گوناگونی را در توجیه باورهای دینی بر شمرد. چرا که انسان ها خود گوناگونند. از این روی، تجویز نسخه ای واحد برای توجیه باور همگان، پذیرفته نیست. غزالی بر این عقیده است که انسان ها بر اساس ظرفیت خود طبقه بندی می شوند. بنابراین باید در ارائه طریق به انسان ها این تفاوت ها را مدنظر قرار داد. از آن جمله ایمان عوام به همان اندازه مقبول است که ایمان فلاسفه و اهل برهان و یا اهل تصوف؛ چرا که او مراتب ایمان را مختلف می داند. او بر همین مبنا انسان ها را به دو گروه عوام و خواص طبقه بندی می کند (زرین کوب، ۱۳۸۷).

در این رساله سؤال اصلی این است که این دو اندیشمند رابطه عقل و دین را چگونه درک می کنند و نظام تربیتی که بخواهد دیدگاه این دو را در تربیت دینی بکار گیرد دارای چه اهداف، اصول و روشهایی خواهد بود؟

۱-۲- هدف های پژوهش

هدف از انجام این پژوهش، مقایسه دو رویکرد ایمان گرایی از دیدگاه کرکگور و غزالی در باب رابطه عقل و دین و شناسایی اشارات این دو رویکرد در اهداف، اصول و روش های تربیت دینی است. این پژوهش با این هدف، عقلانیت باور دینی را از دیدگاه این دو اندیشمند که در مسأله فهم از دین و نگاه به باورهای دینی و ایمان، تفسیری خاص دارند، مورد واکاوی قرار خواهد داد و اشارات نظریات آنها را در خصوص اهداف، اصول و روش های تربیت دینی نشان خواهد داد.

۱-۳- سؤالات پژوهش

- ۱- دیدگاه کرکگور در رابطه عقل و دین در پیوستار ایمان گرایی و عقل گرایی کجاست؟
- ۲- دیدگاه غزالی در رابطه عقل و دین در پیوستار ایمان گرایی و عقل گرایی کجاست؟

- ۳- اهداف، اصول و روش‌های تربیت‌دینی با نظر به دیدگاه‌های کرکگور پیرامون رابطه عقل و دین چیست؟
- ۴- اهداف، اصول و روش‌های تربیت‌دینی با نظر به دیدگاه‌های غزالی پیرامون رابطه عقل و دین چیست؟
- ۵- مهم‌ترین شباهت‌ها و تفاوت‌های بین دیدگاه‌های کرکگور و غزالی در بحث عقل و دین و دلالت‌های تربیتی آن چیست؟

۱-۴- روش تحقیق

برای انجام این پژوهش نخست آثار غزالی و کرکگور در باب نسبت میان عقل و دین و نیز آثار مفسرین دیدگاه‌های آنها مورد بررسی قرار گرفت. در مرحله نخست تمرکز اصلی پژوهشگر، معطوف به فهم دیدگاه‌های این دو متفکر بود. بنابراین بدون مقایسه، دیدگاه‌های هر یک، مورد بررسی قرار گرفت و سپس دلالت‌های تربیتی آن‌ها استخراج شد. از آنجا که این دو اندیشمند، فیلسوف تربیتی به حساب نمی‌آیند؛ برای استخراج دلالت‌های تربیتی از روش استنتاجی بهره برده شد.

"جوهره دیدگاه استنتاجی آن است که پیشاپیش یک مکتب فلسفی پذیرفته شود، آنگاه آموزه‌های

تربیتی مربوط به آن استخراج شود" (کیانی و صادق‌زاده قمصری، ۱۳۹۰: ۱۲۲).

فرانکنا (۱۹۶۶) در مقاله‌ای با عنوان «الگوی برای تحلیل فلسفه تعلیم و تربیت» به منظور تحلیل فلسفه‌های تعلیم و تربیت هنجارین با استفاده از روش استنتاجی به شیوه قیاس عملی الگویی طراحی نموده که به طرح پس‌رونده معروف است. در این طرح با اتکا به اهداف، محتوا و روش‌ها مبانی فلسفی و متافیزیکی، استنتاج می‌شود (به نقل از باقری ۱۳۸۷: ۴۹).

باقری (۱۳۸۷) رویکرد دیگری را بر الگوی فرانکنا اضافه نموده است که در آن از مبانی فلسفی و متافیزیکی حرکت و به استنتاج آرا و عناصر تربیتی (اهداف، محتوا، اصول و روش‌ها) پرداخته می‌شود. این رویکرد به صورت پیش‌رونده مورد استفاده قرار می‌گیرد. (ص ۶۰).

بنابراین در این رساله نیز با پیش فرض قرار دادن مبانی فکری غزالی (اشعریت، تصوف، ایمان، عقل و تفاوت مخاطبین) و کرکگور (هستی‌مندی شامل شناخت، آزادی و مسئولیت، انتخاب و ایمان شامل انفسیت، شورمندی و جهش) اهداف، اصول و روش‌های تربیتی استنتاج شده است.

در مرحله دوم؛ دیدگاه‌ها و نیز آرای تربیتی غزالی و کرکگور مقایسه، تفاوت‌ها و شباهت‌های آن‌ها مشخص شد.

"مقایسه یک ابزار اساسی برای تحلیل است. مقایسه قدرت توصیف را بالا می‌برد و یک نقش مرکزی در تکوین مفهوم با در آوردن تفاوتها و تشابهات در خصوص موارد مورد بررسی را بازی می‌کند" (کالیر، ۱۹۹۳: ۱۰۵). "مقایسه می‌تواند کمی باشد، در این صورت شاخصهای آماری با یکدیگر مقایسه می‌شوند. همچنین ممکن است کیفی باشد که در نتیجه غایت‌های دو نظام با هم مقایسه می‌شوند" (لوتان‌کوی، ۱۳۸۸: ۱۲۲).

در این رساله از روش مقایسه کیفی بهره برده شد. بنابراین، براساس مقوله‌های اصلی، عقل و دین، نسبت میان این دو، از دیدگاه‌های غزالی و کرکگور و نیز دلالت‌های تربیتی این دیدگاه‌ها مورد بررسی و مقایسه قرار گرفت.

در پایان با بازاندیشی در آنچه در دو مرحله نخست آمده و با تکیه بر بینشی که در این فرایند حاصل شده است به سوال اصلی در باب تربیت‌دینی ایمان‌گرایانه در برابر تربیت‌دینی عقل‌گرایانه پاسخ داده شد.

۱-۵- تعارف مفاهیم

دین:

از دین تعریف‌های متعددی وجود دارد.^۱ در این رساله تعریف ذیل مدنظر است. ادیان الهی است که توسط انبیاء از سوی پروردگار در قالب تعالیم و دستورهایی برای بشر آمده است. این ادراک و مفهوم از دین در هر دو منظر فکری مورد تحقیق قابل تطبیق و اطلاق است.

^۱ . برای نمونه تعاریفی از آن چنین است:

"دین عبارت است از کتاب و سنت و ارکان و اصول، فروع دین نازل بر نبی (ص) است. یا به عبارتی دیگر دین عبارت است از متون و احوال و رفتار پیشوایان دینی" (سروش، ۱۳۷۴: ۷۹).

در تعریف دیگری دین را این‌گونه تعریف نموده‌اند: "دین برابر است با اعتقاد به آفریننده‌ای برای جهان و انسان و دستورات عملی متناسب با این عقاید" (مصباح یزدی، ۱۳۷۵: ۲۸).

عقل:

برای عقل اقسامی ذکر می‌کنند از قبیل عقل فلسفی، ریاضی، سیاسی، عملی، صوری، ابزاری، ارزشی، و ... (ابراهیمی دینانی، ۱۳۸۲؛ بهمن پور، ۱۳۷۹). برخی از فیلسوفان یونان باستان و امروزه برخی از سنت‌گرایان، عقل را به جزئی یا استدلال‌گر و کلی یا شهودگر تقسیم می‌کنند. عقل کلی قوه‌ای است که قدرت شهود حقایق را چنان که هستند دارد. این عقل فردی است و جمعی نیست. عقل استدلال‌گر حجیت جمعی دارد که یا جمیع عقلا را قانع می‌سازد، یا آنان را که با ما بر سر مقدمات و پیش فرض‌ها توافق دارند (صادقی، ۱۳۸۲). تقسیم دیگری که از قدیم مطرح بوده عقل نظری و عملی است. عقل نظری عقلی است که با آن واقعیت، فهم و جهان ادراک می‌شود و عقل عملی عقلی است که باید‌ها و نبایدها را مشخص می‌کند (بهمن پور، ۱۳۷۹).

عقلی که در بحث «عقل و دین» مدنظر است عقل جزئی استدلال‌گر و عقل نظری است؛ زیرا پرسش این است که آیا گزاره‌های دینی قابل اثبات و دفاع عقلانی اند یا نه؟ روشن است که در اینجا عقل عملی یا شهودی و کلی نمی‌تواند مدنظر باشد. پس می‌توان این عقل را این گونه تعریف کرد: عقل قوه تنظیم معلومات است، بی‌حسب روابط و مناسبات معین، همچنین روابط و مناسبات میان علت و معلول، اصل و فرع، نوع و جنس، هدف و وسیله و نظایر آن‌ها. به دیگر سخن عقل یکی از استعدادهای آدمی است که با آن می‌تواند حقایق را تشخیص داده، شناسایی، دسته‌بندی و نقد کند (همان، ۱۳۷۹).

اصول تربیتی:

اصل در لغت به معنای ریشه و نیز به معنای مبنا است. فلاسفه و علمای تعلیم و تربیت، آن را برابر با معنای منشأ و مصدر بکار می‌برند. پس به این اعتبار، اصل، منشأ و سرچشمه رفتار یا فعالیت را نشان می‌دهد. هوشیار (۱۳۴۷) اصل را جستجوی آن گونه مبانی عقلانی و آن گونه مقیاسها می‌داند که به وسیله آن در هر مورد می‌توان به پرورش مطلوب اقدام نمود. اصول در این معنا پایه رفتار آموزگار و دانش‌آموز می‌باشد (ص ۳۰).

به این ترتیب می توان نتیجه گرفت که اصول، پایه و تکیه گاهی برای عمل و رفتار معلم و دانش آموز است. اصول تکیه گاه های نظری و یا «مجموعه قضایا و قضاوت های روشن و قطعی می باشند که تمام فعالیت های معلم و دانش آموز بر آن مبتنی هستند.

باقری (۱۳۸۷) اصول را دستورالعمل های کلی که شکل تجویزی دارند و به ظهور روش های تعلیم و تربیت منجر می شوند، در نظر می گیرد. استنتاج این اصول، از مقدماتی متشکل از اهداف و گزاره های واقع نگر صورت می پذیرد (ص ۵۷).

باور:

مراد از باور در این بحث حالت تصدیق و تاییدی است که ذهن در برخورد با یک قضیه پیدا می کند واکنش ذهن در برخورد با یک گزاره از این سه حالت خارج نیست:

«یا ذهن هیچ واکنشی از خود نشان نمی دهد، یا به عبارتی تغییری در حالت ذهن ایجاد نمی شود که در این صورت گوئیم ذهن نسبت به این گزاره بی تفاوت است. نام این حالت ذهنی را تعلیق^۱ باور نهاده اند. در مقابل گاه ذهن با مواجهه با یک گزاره در پذیرش آن مقاومت کرده، آن را رد می کند و گاه نیز ذهن قضیه را می پذیرد و آن را تصدیق می کند» (چیزولم^۲، ۱۹۸۷: ۵).

تربیت دینی

تربیت دینی از آن دسته مفاهیمی به حساب می آید که به نظر ساده و قابل فهم و بی نیاز از تحلیل و تفسیر است. در این نگاه، مسأله تربیت دینی چنان واضح است که همه انسان ها می توانند، تصوری از آن داشته باشند. اما اگر کمی دقیق نگریسته شود، تعریف تربیت دینی سخت می نماید.

تعریف هایی که تاکنون از تربیت دینی ارائه شده است به سه دسته تقسیم می شوند:

^۱ . with holding

^۲ . Chisholm